

# کانون وکلا

سال هفتم

مهر و آبان ماه ۱۳۳۴

شماره ۴۴

محمود سرشار

قسمت یازدهم

## طریقه کشف جعل در عصر حاضر

### پیدایش خط و عوامل آن

چه عواملی اسلوب خط را تشکیل میدهد

جعل چیست و برای کشف آن چه باید کرد

در شماره ۴۳ در مورد جعل نوشتجات از طریق برش حروف - سیلابها - کلمات جملات و تلفیق و ترکیب آنها بحث مفصل شد اینک بذکر قسمت دیگر جعل که نیرنگ عکاسی و تغییر خط و ارکان مختلفه این جرم است میپردازیم تا کلیه نکات مهمه و جهات مختلفه این بزه که مساس با امنیت و انتظامات عمومی دارد بر خوانندگان روشن گردیده و بیشتر تأمل و دقت نمایند تا چگونگی آنرا بهتر دریافته و دری از معرفت بروی صاحبان و پیروان حقیقت بکشایند و با تمام قوا در برانداختن این جرم و سایر معمولات حیاتی مبارزه نموده و تاروپود ادراکات و اندیشه ها را عوض کرده و این دورنمای زشتی را که در مقابل انتظار خود داریم و در افق کشور ما پدیدار است بکلی محو و برطرف نمایند تا نسل کنونی و آینده از این انحرافات که مخرب و مضیع حیات فردی و اجتماعی است نجات یافته و اهمیت حقیقی و موقعیت واقعی خود را کشور ما در عصر حاضر بزودی احراز نماید.

قبل از اینکه وارد مبحث نیرنگ عکاسی بشویم برای بسط و تکمیل اطلاعات خوانندگان مختصری از فن عکاسی بیان مینمائیم تا کاملاً به نیرنگ و تزویرهایی که در این فن اعمال میشود و قوف حاصل نموده و در اثر تعقیب باب این بزه هم بروی اعمال کنندگان آن کاملاً مسدود گردد.

## عکاسی

عکاسی علم و حرفه ایست که با آن تصاویر اشیاء را روی صفحات معینی که باطرز خاصی حساس شده اند بوسیله نور تثبیت مینمایند.

پس مجموع عملیاتی که تصویر اشیاء را در روی صفحه ثبت مینماید عکس - برداری گویند.

عمل عکاسی بستگی باحساسیت ترکیبات نقره ای درمقابل نور دارد.

نور بر روی اجسام تأثیر گوناگون دارد چنانچه رنگ اشیاء در اثر برخورد بنور ممکن است ضعیف یا زایل گردد.

کلورور نقره یا کلورور دارژان ( Chlorure d'argent ) در اثر نور سیاه و ژلاتین پیکروماته ( Gélatine Bichromaté ) قابل حل در آب بصورت غیرقابل حل درمیآید.

هر ماده شیمیائی که از تابش نور تغییر یابد ماده حساس خوانده میشود و اگر مواد شیمیائی در مقابل نور حساس نباشد نمیتوان عکس برداشت و بهمین جهت است که نقش برداری بر کاغذ از ایلید کار بسیار سهل و آسانی است.

دستگاه عکاسی عبارت از اطاق تاریک بصورت جعبه بوده که مجهز باعدسی میباشد اطاق تاریک جعبه ایست بشکل مربع مستطیل که در وسط یکی از سطوح آن سوراخی قرار داده شده است هر گاه در مقابل سوراخ یک شیء روشن قرار دهند اشعه شیء معکوس شیء در ته جعبه آشکار میگردد.

هر قدر سوراخ کوچکتر باشد تصویر واضح تر بنظر میرسد و هر قدر به روشنائی اضافه شود همانقدر از وضوح آن کاسته میشود.

برای رفع معایب اطاق تاریک در محل سوراخ آن عدسی مقارنت قرار میدهند هر جسم شفاف محدود به دو سطح کروی را عدسی گویند.

اگر عدسی اختراع نشده بود از محیط خود خیلی کم با خبر میشدیم عدسی ها باقسام مختلف میباشد که از اینقراردند:

- ۱ - محدب الطرفین
- ۲ - سطح محدب
- ۳ - محدب و مقعر متقارب
- ۴ - مقعر الطرفین
- ۵ - سطح مقعر
- ۶ - محدب و مقعر متباعد.

سطح حساس و یا صفحه حساس عکاسی عبارت از صفحه ایست که روی آن ماده حساسی که از ژلاتین و یک ملح نقره ترکیب شده است آغشته شده است.

املاح نقره عبارت از برموردارژان ( Bromure d'argent ) و کلورودارژان ( Chlorure d'argent ) سترات دارژان ( Citrate d'argent ) و غیره میباشد

حساسیت این امولسیون ها ( Emulsion ) متفاوت است و میتوان آنها را باحساسیت سنج اندازه بگیرند.

### طریقه کشف جعل در عصر حاضر

بعضی اوقات به امولسیونها مواد ملونه اضافه میکنند و آنرا به بعضی اشعه طیف حساس میسازند . و این قبیل امولسیونها اورتوکروماتیک ( Orthochromatique ) نام دارد و اگر بتمام رنگها حساس باشد پانکروماتیک ( Panchromatique ) گویند امولسیونها یا روی شیشه قرار دارد و پاره‌روی مواد سلولوئید ( Celluloïde ) که آنرا فیلم گویند .

تأثیری که از نور روی سطح حساس بنحو مختلف صورت میگیرد ومدتی باقی میماند و میتوان آنرا با مواد احیاء کننده ظاهر نمود تصویر مخفی نامیده میشود .

برای مرئی ساختن تصویر مخفی از یک نقره شیمیائی که قابلیت ترکیب با بروم را دارد استفاده میشود که ظاهر کننده نام دارد و عملیات مذکوره در فوق ظهور نامیده میشود . بعد از ظهور دیده میشود که قسمتهای روشن شی\* مورد عکس برداری برنگ سیاه و قسمتهای نارنگ برنگ سفید درآمده است و بدینجهت است که آنرا عکس برداری نام نهاده اند و تصویر معکوسی که بدست می‌آید بتصویر منفی موسوم میباشد . تصویر بعدی که رنگ سیاه برنگ سفید و رنگ سفید برنگ سیاه درمیآید و همان رنگ حقیقی تصویر حاصله میباشد مثبت نامیده میشود .

نقره شیمیائی که عمل فیزیکی نور را تکمیل میکند بظاهر کننده موسوم است . موادیکه برای ظهور بکار برده میشود عبارت از چهار ماده مختلف میباشد که در ترکیب خواص جداگانه و عمل مستقلى را انجام میدهند :

۱ - احیاء کننده .

۲ - قلیائی .

۳ - حافظ .

۴ - کند کننده .

### ۱ - مواد احیاء کننده

مواد احیاء کننده عبارت از ایدروکینون ( Hydroquinone ) دیامیدوفنل ( Diamidophénol ) اسید پیروگالیک ( Acide pyrogallique ) که به اکسیژن زیاد حریص میباشد .

### ۲ - مواد قلیائی

بعد از جسم احیاء کننده مواد قلیائی از قبیل سود ( Soude ) آمونیاک ( Ammoniac ) کربنات دوسود ( Carbonate de soude ) که روی عمل ثابت کردن بروم ( Brome ) یا کلور ( Chlore ) ملح نقره اضافه میگردد .

### ۳ - مواد محافظ

چون ترکیبات فوق بجز اکسیژن حریص هستند و در نتیجه جذب ترکیبات مزبوره ضایع میگردد برای جلوگیری از آن از سولفات دوسود استمداد نموده و برنثوت آن میافزایند .

#### ۴ - مواد کند کننده

برای اینکه از فعالیت این مواد کاسته شود مقداری برومور دوپتاسیوم ( Bromure de potassium ) بمایع ظهور افزوده تا کم و بیش عملش معتدل گردد . بعد از عمل ثبوت مدتی صفحه را شستشو داده تا کلیه آثار ایوسولفیت ( Hyposulfite ) آن از بین برود وچندین مرتبه آب آنرا عوض نموده بعد با پارچه نرم و مرطوب آب آنرا گرفته و روی سطح صافی میگذارند سپس شیشه یا فیلمی را که کاملاً خشک شده است در داخل شاسی مخصوص چاپ قرار میدهند و یک ورق کاغذ حساس روی ژلاتین صفحه قرار داده و دو برگ کاغذ خشک کن روی آن میگذارند و شاسی را بسته در مقابل نور قرار میدهند تا عکس به دست آید .

برای جلوگیری از تغییر رنگ عکس دوا هائی بکار میبرند که آنرا ویراژ ( Virage ) میگویند .

پس از عمل ویراژ آخرین نمونه های روی کاغذ را با آب شسته و آنها را برای خشک کردن بین دو برگ کاغذ خشک کن سفید تمیز قرار داده و بعد روی آنها کمی روغن پارافین که با بنزین مخلوط شده ویا وازلین مالیده و یا ازطلق استفاده کرده و آنها را براق مینمایند و روی کاغذ عکس خشک کن گذارده و غلطک روی آنها میزنند سپس آنها را با نشاسته ویا چسب روی مقوا میچسبانند .

#### بزرگ کردن عکس یا آفراندیسمان

اساس بزرگ کردن عکس بستگی با خواص عسیها دارد و هر قدر شیئی مورد عکس برداری بکانون عسی نزدیکتر شود تصویر آن بزرگتر میشود ولی شیشه های سخت بهیچوجه قابل بزرگ کردن نبوده واین عمل باید طوری انجام شود که جزئیات تصویر در صفحه ها معلوم و واضح باشد .

امروز عکاسی شقوق مختلفه دارد که عبارتند از عکاسی اشیاء ریز - عکاسی برجسته - عکاسی رنگی - عکاسی بوسیله اشعه مجهول از اعضاء و احشاء بدن انسان - عکاسی از اراضی در قسمت مساحی و مهندسی - عکاسی از کرات و ستاره ها در قسمت نجوم - عکاسی از نوشتجات - عکاسی طیف شمسی یا اسپکتروسکوپی ( Spectroscopie ) عکاسی صفحات حکاکی شده یا فتوگراور ( Photogravure ) عکاسی نقشه های روی سنگ یا فتولیتوگرافی ( Photolithographie ) عکاسی باسمه یا فتو مکانیک ( Photomécanique ) .

#### نیرنگ عکاسی

در نیرنگ عکاسی بهیچوجه از اسناد و نوشتجات ذکری نشده فقط از کلیشه ویا شیشه بحث گردیده و این عمل هم از طریق جعل با برش و ترکیب قسمتهای مختلفه صورت میگیرد .

یکی از موارد سهل آن این است که امضاء مسلم الصدور شخصیرا از روی

### طریقه کشف جعل در عصر حاضر

اسناد رسمی و یا نامه ها بدست آورده سپس آنرا چینه و در ذیل نوشته یاسندی که مندرجات آن با ماشین تحریر تنظیم شده است میگذارند سپس از تمام آنها عکس برداری کرده و بنحوی این عمل را انجام میدهند که فواصل و درزهای آن نمایان نبوده و القاء شبهه برای هر ناظر و بیننده ای در بادی اسرمینماید مشروط بر اینکه نوع کاغذ های آن یکی بوده و در تحت شرایط و اوضاع و احوال مهمینی قرار گرفته باشد و طرف دعوی هم بشخصی که عکس مزبور را ابراز میکند در مقام درخواست ابراز اصل آن بر نیاید و فقط بخواستن کلیشه آکتفا نماید در غیر اینصورت پرده از روی اعمال جاعل برداشته شده و عدم اصالت سند ابرازی محرز و آشکار میگردد .

در بعضی موارد بجای اینکه اصل سند ارائه شود از آن عکس برداری نموده و آنرا ابراز مینمایند و رویه قضائی هم برای این امر در دست نیست ولی اتفاق میافتد که قضات نسبت بعکس اسنادی که اصل آن ازین رفته و یاتهمیه آن محال میباشد اسناد نموده و آنرا دلیل و مستند بر علیه دیگران قرار داده اند .

پس از وقوع حریق مخصوصاً حریقهای که در زمان جنگ رخ میدهد چاره ای غیر از این نداشتند که از اسناد سوخته شده که بصورت ذغال درآمده ولی هنوز از بین نرفته است و قابل استفاده از لحاظ مندرجات آن میباشد عکس برداری نموده و آنرا بجای پیش نویس نگاهداشته و در موقع احتیاج از آن استفاده نمایند .

بعضی اوقات اصحاب دعوی و یا نمایندگان آنان بجای خواستن رونوشت عکس اسناد را خواسته و بیشتر از سایرین برای آنها اعتبار قائل میشوند و استحکام آنها را از اصل و رونوشت بیشتر میدانند .

### جعل در عکس نوشتجات

اغاب اتفاق میافتد که سند سازان اسنادیرا که حکایت از اشتغال ذمه نموده و میزان آن مهم میباشد و بالغ بر چند میلیون میگردد باماشین تحریر تنظیم نموده و امضاء مسلم الصدور کسیرا که نوشته و اسناد تنظیم شده را باو منتسب مینمایند از نوشتجات دیگر جدا نموده و در ذیل آن بیچسبانند و بعد عکس برداری کرده بنحویکه دارای هیچگونه علائمی نبوده و باچشم نمیتوان عدم اصالت آنرا تشخیص داد .

باهمین عمل را نسبت باسناد و نوشتجاتی که باخط دیگری تنظیم گردیده انجام میدهند ولی اغلب از نظر تفاوت مرکب و جوهر متن تزویر و تقلب مزبور کشف و زمینه را برای تحقیقات جهت قضات تحقیق باز مینماید و اگر تفاوتی در کاغذ باشد در عکس برداری اختلاف آن کاملاً مشهود میگردد .

درعکس برداری اسنادی که از طریق برش بعمل آمده و امضاء مسلم الصدور منتسب الیه زیر آن قرار گرفته است از نظر تفاوت کاغذ و مرکب و قلم عدم اصالت اسناد معلوم گردیده و همین اختلاف مخصوصاً در مورد انواع مرکب ایجاد مشکلاتیرا درموقع عکس برداری خواهد نمود .

### طریقه کشف جعل در عصر حاضر

قواعد و اصولی را که کارشناسان باید در مورد نیرنگت عکاسی در نظر بگیرند همان است که در مورد جعل از طریق برش اشاره و در مجله شماره ۳ صفحات ۴ و ۵ درج گردیده است.

### جعل در عکس اشخاص

ارتکاب این عمل در مورد اشخاصی که عاری از فن عکاسی هستند کار بینهایت دشواری بوده ولی برای افرادی که تخصص بسزائی در این فن دارند کار سهل و آسانی است. اغلب اشخاص که با یکفر غرض و کینه توزی دارند و یا بموقعیت شغلی و اجتماعی آن حسد میورزند و یا سیاستی ایجاب میکند که آنانرا کثیف و لجن مال نموده و در انظار عامه پست و موهون نمایند تا بمقاصد و آمال خود نائل گردند عکس لخت و عریان اشخاصی را که در حال معانقه و همخوابگی و یا رقص هستند بدست آورده و سر آنانرا برداشته و سر مورد نظر را که از حیث اندام شباهت دارد بجای آن میگذارند سپس از آن عکس برداری کرده بتجوی که آثار الحاق و چسبندگی آن معلوم باشد و بعد در جراید و اوراق چاپ کرده و از طریق انتشار و اشاعه بههدف خود نائل میگردند و همین عمل را در مورد مجالس قمار و مشروب و تریاک و یا سایر حالاتی که قلم از ذکر آن شرم و استحیا دارد اعمال مینمایند و یا برای اینکه افرادی را جاسوس خارجی معرفی کنند همین عمل را بصورت تماس با مأمورین سیاسی جلوه داده و یا در حال شرکت در مجالس توطئه کنندگان نمایش میدهند و از این راه مطلوب و منظور آنان تأمین گردیده و بهتشکیل پرونده‌هایی برای افراد موفق شده و اذهان عمومی را نسبت بانان مشوب مینمایند. این دسته از جاعلین در موقع انجام عمل بقدری تناسب اعضاء و اندام را رعایت مینمایند که حقیقت را در بادی امر از نظر هر بیننده ای مکتوم میدارند ولی برای کشف حقیقت این قبیل عکس‌ها باید بزرگ گردد و آثار و اصلاح دست بردگی آن معلوم و مشهود گردد و تفاوت سایه‌ها در قسمت اصلی و قسمتهای اضافه پس از آگراندیسمان یا بزرگ نمودن عکس کاملاً روشن و نمایان شود و همین تفاوت پرده از روی اعمال این دسته جاعلین برداشته و این قبیل حقایق هم بوسیله کارشناسان فن که متخصصین تحصیل کرده فن عکاسی هستند ظاهر و هویدا میگردد.

### جعل از طریق تغییر خط

جعلهای تغییر خط به اصول اسناد و طرز آن تغییری نداده و آنها را از آنچه هست خارج نینماید بلکه از طریق تغییر اراده نویسنده این عمل صورت خواهد گرفت. این قسم جعل‌ها سه نحو صورت میگیرد:

۱- تقلید صرف

۲- تقلید آزاد

۳- تغییر صورت و اسلوب خط.

تغییر خط انواعی دارد که مستلزم مطالعات مخصوصی میباشد.

۱ - چپ نویسی

۲ - تقلید خط کتابی یا باسمه ای

برای کشف این قبیل جعلها باید به رموز و دقایق و طرائق علمی آن توسل جست که از اینقراردند:

۱ - بررسی رسم الخط و شیوه و اسلوب آن

۲ - معرفت باحوال اشخاص از روی خط

۳ - اندازه گیری خطوط بوسیله اندازه سنج

۴ - توزین یا کشیدن خط

### جعل از طریق تقلید صرف

این دسته جاعلین بعضی اینکه از روی اسناد و نوشتجات کرده برداری نمایند و یا از طریق برش آنرا انجام دهند نوشته و خط مورد تقلید را مقابل خود قرار داده و با کمال دقت و مراقبت از روی آن طابق النعل بالنعل تقلید مینمایند و اگر این قبیل اوراق مجعول را بوسیله عکاسی بزرگ نمایند علائم و آثار زیرین آشکار میگردد:

### برداشت قلم

برای تقلید صرف هر دفعه ای که جاعل قلم را برمیدارد تا از روی نمونه کاملاً تقلید نماید در هر برداشتی نقطه های سیر رنگی ایجاد میشود که با ذره بین کاملاً ظاهر و نمایان است.

### اصلاح و پرداخت

با اولین اصابت قلم میتوان کلمه ایرا تقلید نمود ولی برای تشابه کامل آن جاعل از نظر تکمیل باید مجدداً روی همان کلمه برگشت نموده و نواقص آنرا رفع نماید اینگونه اصلاحات گرچه ناچیز میباشد ولی در نتیجه بزرگ نمودن آن بوسیله عکاسی آثارش کاملاً روشن و ظاهر میگردد.

با عکس برداری اشیاء ریز مکتشف میگردد که هر کلمه ای در نتیجه اتصال و الصاق که پنج یا شش مرتبه صورت گرفته است چگونه عملی شده و اصالت و عدم اصالت آنرا روشن مینماید.

خط اغلب اشخاص مجنون و وسواسی نیز همین حالات و عیوب را دارد و افرادی که باین قبیل اوراق رسیدگی میکنند لازم است که منتسب الیه این قبیل خطوط را نیز بوسیله یک پزشک متخصص امراض روانی معاینه طبی نموده سپس آنرا در تحت نظر کارشناسان خط قرار دهند.

حال لازم است که برای بسط اطلاعات خوانندگان به بحث جنون جزئی و وسواس به پردازیم.

## مانی یا جنون جزئی

حالت تحریک و بسط فعالیت اعمال جسمی را که متعاقب با حذف کنترل اراده باشد مانی یا جنون جزئی گویند (Manie) افرادی که باین عارضه مبتلا میباشند فعالیت روحی آنان شدید و سریع بوده و برای همین است که این حالات که زوال - ناپایداری - تغییر - و فور افکار و احساسات شدید میباشند در آنها ایجاد میگردد. هوش در نتیجه رنجوری تحریک شده و بهیچوجه متوقف نمیگردد.

مبتلیان باین بیماری در ظاهر رهبر و هادی خوبی بوده و خوش ذوق و خوش قضاوت میباشند و همیشه توجه آنان بیک چیز معطوف میگردد حافظه آنان قوی بوده و آنها در اصطلاح طبی ایپیرمنزی (Hypermnésie) یا ازدیاد حافظه میگویند.

حالت تخیل و تداعی معانی آنها شدید وحاد میباشند ولی تمام نیرو و فعالیت آنان سطحی بوده و منتج بنتایج مفیدی نخواهد شد - این حدت ذهن نیز ملازمه با سرعت عمل داشته و ایجاد اختلال در قضاوت نموده و منتهی بتوهمات و شناسائی غلط و هذیان خواهد شد.

این قبیل اشخاص حالت خود را بصورت حرف و عمل در آورده ولو گوره (Logorrhée) که پرچونگی و سلس القول است و زمزمه و آواز و اداء کلمات رکیک و مستهجن و حرفهای خارج از نزاکت و نوشتجات نامربوط و بی سروته که با تصاویر و اصطلاحات خاصه همراه است و دو و شلنگ و تخته و رقص و اشارات دست از صفات و علائم خاصه این بیماری میباشد.

علاوه بر این مرض مزبور متضمن بیخوابی و لاغری نیز میباشد و این قبیل افراد باید از زندگانی در محیط تهییج آمیز و استعمال خوراکیهای تحریک کننده اجتناب نموده و در محل ساکت و بی سروصدا ایامی را گذرانیده و با استجمام مداوم و طولانی که مؤثر در بهبودی آنان خواهد بود در مقام معالجه خود برآیند.

## علائم و آثار جنون جزئی

دروغگوئی - وسواس - حرص و آز - کژ خوئی - خودپسندی - تهاون و سهل انگاری - عیب جوئی - نافرمانی - ظلم و جور - نمک ناشناسی - بی عفتی و بی ناموسی - بیباکی - عجله - هرزه درآئی - خشم و غضب - سخت دلی - پرگوئی - بی عاطفگی - خودسری - اخلا لگری - خودنمایی - فتنه گری - افراط - جلفی - بدکاری - سرکشی - تکبر - جاه طلبی - خصومت و دشمنی - فاش کردن اسرار - بی شرمی - بی حیائی - منفی بافی - بی ارادگی.

## وسواس

انگلهای فکری و تمایلات شدید و افکار مسلطه و ناروا که قوای دماغی و شعور را تحت الشعاع قرار داده و برخلاف میل انسان در عرضه شعور پدیدار شده و آنها اسیر افکار طفیلی نموده است و وسواس نامیده میشود.



### طریقه کشف جعل در عصر حاضر

همیشه تعارض و مبارزه ای در دماغ انسان بین انگلهای فکری و افکار صحیح موجود است و افرادی که مبتلا باینگونه بیماری هستند با اینکه به بی اساس و بی موضوعی آن معترف میباشند و سعی و کوشا هستند که این قبیل افکار را از مخیله خود خارج نمایند با وجود این به پیروی از آن در نتیجه نیروی غربی که در خود میبینند متمایل بوده و حالت اضطراب و بیسی که با کیفیتهای جسمی و روحی توأم میباشد در آنان رخ نموده که با شخصیت آن افراد کاملاً متباین میباشد.

علائم این بیماری عبارتند :

اضطراب و طپش قلبی - سردرد - سرخی - رنگ پریدگی - عرق سرد - تشنج - حالت اسهال - و ادرار زیاد که آنرا پول لاکیوری ( Pollakiurie ) میگویند.

این علائم و آثار از عوارض این بیماری است که با ظهور غیر ارادی و تشویش آمیز احساسات و افکار طفیلی توأم بوده که بانسان تحمیل گردیده و او را علیرغم میل خودش بهر طرف میکشاند و این افکار مسلطه از این قرارند:

ترس - کم روئی - موهومات - هوای نفس - شهوت دروغا - شرب زیاد - قمار - عشق - جاه طلبی - دروغ - عجب و تکبر

کلیه این حالات در خطوط هر نویسنده آثاری میگذارد که با دقت و توجه کمی معلوم و مشهود خواهد شد.

این افراد را عادت و سیره بر این است که چند مرتبه قلم را روی یک کلمه بر میدارند تا به ترسیم آن موفق گردند و غالباً روی آن کلمه هم خطوط دیگر اضافه میکنند. این افراد در بادی امر دارای خط نا خوانائی بوده و در مرحله بعدی که خط خود را میخوانند در مقام تصحیح و پرداخت آن برآمده قسمی که خواندن و کشف آن کار دشواری حتی برای خود آنان خواهد بود.

جاعل مقلد دو مرتبه خطی را که ترسیم نموده با خط سورد تقلید تطبیق کرده و در مقام تصحیح آن بر میآید و در اثر تصحیح خط ناخوانا را بصورت خط خوانا در می آورد. ذره بین های دقیق پرده از روی اعمال جاعلین برداشته و هر نوع پرداخت و اصلاحاتی را ظاهر مینماید.

اولین جعلی که از طریق تقلید در فرانسه کشف گردید بشرح زیر میباشد.

صرافی مبلغ صد هزار فرانک به یک مرد روستائی قرض میدهد و پس از چند ماه دین خود را پرداخته و سند را ابطال میکند ولی لاشه سند مزبور نزد صراف باقی میماند دهقان بعد از مدتی فوت میکند فوراً صراف به وراثت او مراجعه کرده و نوشته صد هزار فرانکی را ارائه میدهد چون وراثت از پرداخت وجه سند مطلع بودند و آنرا خالی از وجه میدانستند و در دقائر متوفی هم ذکری از این دین نشده بود از پرداخت آن استکفاب نموده و نسبت به آن دعوی جعل کرده و جاعل آنرا هم همان صراف معرفی نمودند.

گرچه خط وامضاء نوشته سند بخط وامضای متوفی شبیه بود و آثاری هم بوسیله چشم

### طریقه کشف جعل در عصر حاضر

و با ذره بین مشهود نمی گردید ولی پس از جلب نظر متخصصین فن ازسند مزبور عکس برداشته و آنرا نیز چندین برابر بزرگ کرده و فوراً آثار اصلاح و پرداخت در آن روشن گردید و بر اثر تطبیق آن با سایر خطوط مسلم الصدور متوفی که آنهاهم عکس برداری و بزرگ شده بود معلوم گردید که از روی لاشه سند سابق با تمرین و دقت و مهارت تقلید نموده و سپس در مقام اصلاح آن برآمده است بطوریکه هر بیننده و کارشناسی را بدون توسل به اسباب و وسائل علمی غافل و اسر را بر او مشتبه میساخت و پس از کشف علائم و آثار از قبیل برداشت قلم و وجود نقطه های ریز به عدم اصالت آن پی برده و پرده از روی اعمال جعل مزبور برداشته شد که ناچار به اتهام نسبتب بخود اقرار کرد و داد گاه هم او را بزهکار تشخیص و مجعولیت سند و بطلان آنرا نیز ضمن رأی صادره اعلام نمود.

### زیاد روی در شباهت

زیاد روی در شباهت موجب کشف این قبیل جعلها میگردد و بوسیله اندازه گیری حروف کاملاً میتوان پی برد که آیا نوشته ای اصیل یا مجعول میباشد زیرا جعل در موقع تقلید اندازه سنج در دست ندارد که کلیه حروف و کلمات مورد تقلید را بهمان اندازه ای که نویسنده سند و نوشته ترسیم نموده است تقلید نماید و همین اختلاف موجب کشف عملیات ساختگی او میگردد.

مقیاس و اندازه گیری موجب معرفی و شناسائی اشیاء میباشد و علم و فن کمیت را نائیب مناسب کیفیت نموده و آنرا مستحیل در خود کرده است. و پیرهومر ( Pierre Humbert ) اولین کسی است که اندازه گیری را که به گرانو متری موسوم است کشف نمود.

### خطوط و آثار زیر و مجاور آن

تقلید کننده و جعل با مداد کلمات مورد جعل را ترسیم میکند به نحوی که بتواند آنرا بخوبی و را حتی اصلاح کرده و ناهمواریها را از آن بزدايد ولی آثار قلمی کمتر نیازمند به اصلاح بوده و برعکس برداشت و تکرار و پرداخت آن زیاد میباشد اگر آثار مداد محو و پاک شده باشد بابتزین و آسید یودیدریک ( Acide iodhydrique ) و بوسیله ذره بین عکس برداری شده و کلیه تغییرات حاصله که در اثر مالش و اصطکاک مداد پاک کن در روی کاغذ حاصل شده است نمایان خواهد شد.

و اگر خط مدادی پاک نشده باشد عکسی که از آن کاغذ و نوشته گرفته میشود خط مداد پرا نمایان ساخته و مانند خط قلمی دارای حرکت های زیاد میباشد.

### از دیاد استعمال مرکب

چون جعل در موقع تقلید همیشه مشکوک است که مبادا کلمات ترسیمیه خوب از آب در نیاید بیشتر قلم را از روی کاغذ برداشته و به مرکب زده و مجدداً روی کاغذ می آورد همین عمل موجب میشود که بعضی از قسمتهای حروف و کلمات سیرتر از قسمتهای دیگر باشد و همین تفاوت رنگ جلب توجه کرده و عملش را به آسانی کشف مینماید.

## جعل از طریق تقلید آزاد

جاعل به جای اینکه طابق النعل بالنعل مورد جعل را از روی نمونه تقلید کند مدت مدیدی در نوشتن حروف و کلمات مورد جعل تمرین نموده تا بتواند شیوه و سبک نویسنده را کاملاً و بطور آزاد تقلید نماید و یا اینکه عبارات و خطوط معینی را مشق نموده و از این طریق چک سفته و سایر اوراق تجاریرا جعل مینماید .

در اینگونه نوشتجات و اسناد از همان علائم مذکوره در فوق که تشنج و اصلاح و پرداخت باشد اصالت و عدم اصالت آنها کاملاً مشهود و هویدا میگردد ولی گاهی هم اتفاق می افتد که در اثر تمرین زیاد آثاری باقی نگذارد که موجب کشف عملش گردد . پرونده های جعل از طریق تقلید آزاد در دستگاه قضائی ما فراوانست ولی از جهت نقص اطلاعات بعضی از کارشناسان کلیه پرونده های مزبور منتهی ببراءت جاعلین گردیده و آنها را بجای تعقیب و مجازات بر مردم چیره کرده تا آنها را بعنوان مغتری تعقیب نمایند

تاکنون هم ابدأ نسبت به تکمیل دستگاه کارشناسی هیچ وزیری اقدام نموده و این عده از کارشناسان هم در ابتدا اغلب از لحاظ جریان کمکهای انتخاباتی و نمایندگی مجلس و داعیه و داوطلبی بعضی از رؤساء اداره فنی سابق دادگستری برای اینکار و جبران زحمات آنان در انتخابات تعیین شده اند بهترین دلیل این است که در ابتدای تعیین این عده از کارشناس با وضعیت انتخاباتی رئیس وقت اداره فنی کاملاً تطبیق مینماید و همانطور که در این کشور حقوق مردم مال المصالحه اغراض شخصی است این موضوع مهم حیاتی هم باین صورت مبتذل درآمده و تاکنون هم در توسعه و تکمیل و تقیح این سازمان کوششی نشده و هر بیسواد و عامی از قبیل بنا و نجار و راننده و شاگرد راننده و آهنگر یا یک بیسواد بد خط کارشناس شده و ملاکی هم برای تشخیص فن ادعائی خود نداشته و معلوم نیست آیا رئیس اداره فنی ذیفن یا ذوفنون بوده که تشخیص میداده و مستند علمی این نوع کارشناسانرا ملاحظه مینموده یا اینکه صرفاً روی رفاقت و دوستی و خویشی و جبران زحمات انتخاباتی پروانه بانها داده و فرمان سواد صادر نموده بنحویکه کورپر اکه فاقد توه بینائی است کارشناس خط نموده یا متقاضی را که ادعای تخصص در چند رشته داشته در تمام فنون ادعائی باو پروانه داده است .

البته منظور نظر دانشمندان و متخصصینی که بعنوان کارشناس خدمت میکنند و بامدارك علمی و فنی با تقوی و شرافت این کار را انجام میدهند و مورد احترام هستند از این بحث انتقادی من خارج میباشند .

در هر حال بر وزارت دادگستریست که نسبت پرونده اغلب این کارشناسان قلابی تجدید نظر نموده و بالحاظ مدارك علمی و فنی که مشتم ادعای او باشد پروانه بدهد تا حقوق مردم تضییع نشده و لااقل هم آهنگی در حدود امکان بادیای متمدن ایجاد شود و اساس مبارزه با فساد در عدلیه از همین موضوع باید شروع شود و الا پاک کردن پلاکهای برنجی عدلیه

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

با گرد میررو ( Mirro ) و جلوه گر ساختن کاخ دادگستری مبارزه با فساد نمی باشد و اساس کار را از عمق باید اصلاح کرد و به حقوق مردم آنطور که باید و شاید اعتنا و توجه نمود . با گرد معرفت باید زنگار جهل را از دماغ و قلوب مردم پاک و اصلاح و پرداخت نمود

**کارشناسی عصابی نیست که بدست هر چالاقی بیفتد .**

مردم از دادگستری انتظار عدالت را دارند و این منظور عملی نمی شود مگر با اصلاح فوری دستگاه کارشناسی زیرا قاضی در اغلب و اکثر اموارد که پرونده اظهار نظر فنی و تخصصی را ایجاب مینماید باید کار را بکارشناس ( کارشناس واقعی ) مراجعه نموده و پس از اظهار نظر علمی و فنی او باستناد آن رأی داده اجراء عدالت نماید وقتی کارشناس قلابی و بی اطلاع بود و بر اساس تحمیل با و پروانه داده شده نتیجه و ثمره آن همین است که ملاحظه میشود که همرا بدین نموده و زبان منتقدین را باز میکند و درست این حکایت سعدی که ذیلاً درج میشود در مورد این دستگاه و سایر سازمانهای ما صادق است .

### حکایت

مرد کبیرا چشم درد خاست پیش بیطاری رفت که دوا کن بیطار از آنچه در چشم چهار پایان میکشید در دیده او کشید و کور شد - حکومت بداور بردند گفت بر او هیچ تاوان نیست اگر این خر نبودی پیش بیطار نرفتی . مقصود از این سخن آنست تا بدانی که هر آنکه ناآزموده را کار بزرگ فرماید بدان که ندامت برد و بنزدیک خر دمندان بخفت رأی منسوب گردد .

ندهد هوشمند روشن رأی  
بوریا بافی اگر چه بافتد است  
بفرمایه کارهای خطیر  
نبرندش بکارگاه حریر

در هر صورت هیچ جرمی مانند جعل نوشتجات مشکل نبوده و معضلاتی را نسبت به تشخیص آن ایجاد نمی نماید و برای همین است که بحث زیادی برای کشف آن بعمل آمده تا در اثر پیروی آن عمل مأمورین کشف جرائم و تعقیب کنندگان با حقیقت اصابت نمایند . اولاً - در قانون نسبت به بزرگ از افراد جعل به ایجاز برگزار شده و وقوف به کلیه انواع آن بستگی با اطلاعات بسیطه در خارج خواهد داشت و این منظور هم بوسیله کارشناسان فن باید اعمال گردد و فقط قانون به تعیین مجازات آنان اکتفا نموده است . ثانیاً - بسط و توسعه معاملات لازمه بایک سلسله زدوبند و عملیات قلب آمیز داشته که پایه و اساس آن روی نوشتجات معمول قرار میگیرد و برپای پسران و دادستانها و دادرسانها است که در اثر مطالعات مستمره انواع گوناگون آنرا در نظر گرفته تا بتوانند به حقیقت قضایا آشنا شده و عدالت را تا حدی درباره طرفین دعوی اجرا نمایند . ثالثاً - جرم جعل با اغلب جرائم بستگی داشته و انواع آن بصور مختلفه درآمده

### طریقه کشف جعل در عصر حاضر

و در مجموعه‌های قوانین ما مندرج می‌باشد که از نظر عدم جمع آوری آنان از نظر محو گردیده و همین تشتت و پراکندگی موجب سوء استفاده جاعلین میگردد .

رابعاً - سبب و علت ارتکاب این جرم هم متنوع و مختلف بوده و برکاشفین جرم و دادرسان است که در موقع تحقیق و رسیدگی این عوامل را نیز در نظر بگیرند تا قضاوت آنان بیشتر با حقیقت وفق داده و دچار خبط و اشتباه نگردند .

ارکان اصلی جعل عبارتند از :

۱ - قلب یا تغییر حقیقت در نوشتجات برطبق موارد مذکوره در ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی .

۲ - قصد اضرار بغیر اعم از واسطه و یا بلاواسطه و وجود استفاده به نحوی که ضرر مادی و یا معنوی متوجه منتسب الیه آن بشود .

۳ - خسارت یا ترتب ضرر یا امکان ترتب ضرر .

جعل دارای عناصر مادی و معنوی می‌باشد .

قلب و از بین بردن حقیقت عنصر مادی جعل است ولی عنصر معنوی آن خسارت و قصد اضرار می‌باشد .

اگر قلب در حقیقت ضرری بهیچوجه به منتسب الیه نرساند جعل محسوب نمیگردد . علاوه بر وجود عناصر مادی و معنوی خساراتی هم باید به شخص منتسب الیه رسیده باشد تا جعل محسوب گردد و یکی از عوامل ممتازه جعل وجود خسارت می‌باشد .

۴ - قلب حقیقت هم باید ناظر به آنچه که مقنن در نظر گرفته و آنرا قلب حقیقت دانسته است باشد و ماورای قانون هر قلب حقیقتی ولو آنکه خسارت هم بدیگری بزند جعل محسوب نخواهد شد و فقط باید آنچه را که مقنن در نظر گرفته و محدود نموده است اکتفا نمود .

پس در هر عمل باید این جهات و کیفیات جمع باشد تا بتوان آنرا جعل محسوب نمود .

۱ - قلب حقیقت .

۲ - قلب حقیقت باید در نوشتجات و اسناد صورت گیرد .

۳ - وجود خسارت .

۴ - مرتکب این اعمال را با سوء نیت و قصد تقلب آمیز اعمال نماید .

مقنن ایرانی برای اینکه تمام افراد جعل و تزویر را داخل در حکم کلی جعل نمایند ماده بخصوصی برای تعریف جعل وضع نموده اند .

پس تعریف جامع و مانع جعل این است .

جعل قلب حقیقتی است که در نوشته و سند اعمال گردد و مثبت عملیات و قضایائی باشد که بالنتیجه خساراتی ایجاد نموده و با سوء نیت و قصد متقلبانه صورت گیرد .

### قلب حقیقت نوشته و اسناد به نحو طرق مذکوره در قانون

قلب حقیقت به تنهایی جرم نبوده و فکر سوء و غلطی است که از وجدان و ضمیر برخاسته شده و هنوز قوانین جزائی تمام آنها را در عداد جرائم محسوب ننموده اند ولی این امر یکی از عوامل مادی جعل میباشد که باید در عداد سایر عوامل ذکر نمود و تا با هم جمع نگردند جرم جعل وقوع نخواهد یافت .

### قلب حقیقت

ابطال یک شرط و قیدی از سند و نوشته تا موقعی که خوانا و قابل استفاده باشد جعل محسوب نمیگردد .

ولی اگر قلم خوردگی طوری اعمال شده باشد که غیر خوانا باشد و ایجاد شک و شبهه بنماید و کلمات را طوری جلوه دهد که قابل تعبیر بوده باشد جعل محسوب نمیگردد . ولی اگر قسمت های مؤثر سند تراشیده و یا محو شده باشد قلب حقیقت کاملاً محرز میگردد .

اگر دست شخص بیمار یا مفلوحی هدایت شود که وصیتنامه ای را تنظیم نماید و هدایت کننده اگر وصیتنامه را بر طبق اراده موصی تنظیم کند خلاف و قلب حقیقت نبوده و جعل نمیشود .

اگر هادی برخلاف میل و اراده موصی عمل کند جعل محسوب خواهد شد . اگر قسمتهائی از نوشته و سند بوسایلی محو و یا تراشیده و خراشیده شود مادامی که آن قسمتها ایجاد تمهید و یا ابراء ذمه ننماید و موجب سلب استفاده نگردد جعل محسوب نخواهد شد و این عمل را نمیتوان در عداد عملیاتی که منتهی به قلب حقیقت می شود محسوب نمود .

نامه ها و تقاضاها و نوشتجاتی که از نظر مفقود شدن مجدداً نوشته شده و دربرونده گذارده شده باشد در صورتیکه معلوم گردد که از ناحیه یک نفر صادر شده و بانامه و نوشتجات مفقوده مغایرت نداشته باشد قلب حقیقت نبوده و جعل محسوب نمیگردد .

در هر صورت برای اینکه محیط ما کاملاً از مجموعهات حیاتی پاک گردد و بطرف حقیقت سیر نماید لازم است در بادی امر افراد جمعول و عاری از حقیقت را که رنگ ثابتی ندارند از کار برکنار نمود و بجای آنان مردمان دانشمند و با تقوی و راسخ در عقیده را که علاقمند بکشور باشند بر گماشت تا عملیات آنان برای افراد این کشور سرمشق بوده باشد .

کلیه سازمانهای هر کشوری در حکم دستگاه تربیتی است که مردم را بوظایف و تکالیف خود آشنا کرده و آنانرا بحفظ اصول و احترام بقوانین عادت دهند و این امر میسر نمیگردد مگر اینکه سر بیان جامعه که گردانندگان قوای ثلاثه کشور هستند خود مؤمن و موقن باین اصل باشند و هر بی نظمی

طریقه کشف جبل در عصر حاضر

و اختلالی که در محیط ما رخ میدهد نتیجه سوءگردش این دستگاهها وعدم رعایت این ضوابط میباشد که در عوض تربیت مردم را از جاده عفاف منحرف کرده و تحت عنوان خدمت بکشور منافع خصوصی و مشتهیات نفسانی خود را تأمین و منافع عمومی مستحیل در منافع خصوصی آنان میشود . اینک برای بسط اطلاعات خوانندگان محترم عین جملات نویسندگانرا که در باب تربیت بیان نموده اند بامعانی آن ذیلاً می‌نگاریم .

L'éducation est une assurance pour la vie et un passeport pour l'éternité.

تربیت بیمه دنیا و گذرنامه آخرت است .

La base la plus inébranlable de l'ordre social est l'éducation morale de la jeunesse.

پایه و اساس نظم اجتماعی تربیت روحی جوانان است .

Le bonheur des peuples et la tranquillité des Etats dépendent de la bonne éducation de la jeunesse.

سعادت ملل و آرامش دول بستگی با تربیت جوانان دارد .

L'éducation est de tous les âges; elle commence et elle finit avec nous.

تربیت برای تمام سنین عمر بوده باما شروع و خاتمه می‌پذیرد .

L'objet de l'éducation n'est pas de faire des machines, mais des personnes.

موضوع تربیت درست کردن ماشین و آلات و ادوات نیست بلکه

تهیه شخصیت و مردان بزرگ میباشد .

Une mauvaise éducation peut causer la ruine de plusieurs générations.

سوء تربیت ممکن است موجب خرابی و انهدام نسلهای شود .

Rien n'est impossible à l'éducation; elle fait danser les ours.

در مورد تربیت محال و غیر ممکن وجود نداشته و خرسهارا برقص

در می‌آورد .

L'éducation affaiblit le penchant au mal et fortifie le penchant au bien.

تربیت میل به بدی را تضعیف و میل بخوبی را تقویت مینماید .

Développer chaque individu dans toute la perfection dont il est susceptible, voilà le but de l'éducation.

طریقه کشف جمل در عصر حاضر

هدف و منظور تربیت رشد فکری افراد است بطرف تکاملی که در خور استعداد آنان میباشد.

C'est dans le problème de l'éducation qui git le grand secret du perfectionnement de l'humanité.

اسرار تکامل عالم بشریت در موضوع تربیت نهفته میباشد.

Les vertus et les crimes des hommes peuvent être aussi bien imputés à ceux qui sont chargés de leur éducation, et de leur gouvernement qu'à ceux qui se montrent vertueux et criminels.

حسنات و سینات مردم مستند باعمال نیکو و زشت افرادی است که برای تربیت و حکومت و اداره کردن آنان برگزیده شده‌اند.

Nos qualités nous viennent de la nature. mais nos vertus sont le fruit de notre éducation.

اوصاف و خصال ما ناشی از طبیعت و سرنوشت ما بوده ولی تقوی و پرهیزگاری ثمره تربیت ما میباشد.

C'est par l'éducation de la femme qui doit pré luder toute politique d'avenir.

تربیت زنان مقدمه و سرلوحه سیاست آینده ما خواهد بود.

Tous les philosophes regardent avec raison l'éducation comme une seconde existence donnée à l'homme.

کلیه فلاسفه از نظر عقل تربیت را در حکم وجود ثانوی که به بشر داده شده است میدانند.

L'éducation fait les honnêtes gens et les bons citoyens.

تربیت است که مردان شرافتمند و افراد خوب برای کشور تهیه میکند

Celui qui n'a pas d'éducation ressemble à un corps sans âme.

فرد بی تربیت به مثابه جسم بی روح میباشد.

Ce qu'il y'a de merveilleusement propre à l'éducation, c'est la visite des pays étrangers pour frotter et limer notre cervelle contre celle d'autrui.

آنچه برای تربیت ضرورت دارد مسافرت بخارج میباشد که مغز و دماغ ما بادیگران برخورد نموده و آنرا سوهان و پرداخت نماییم.

Les bons exemples naissent de la bonne éducation, et la bonne éducation des bonnes lois.



طریقه آشنای جمل در عصر حاضر

امانه و شواهد و نمونه های برجسته مولود تربیت خوب بوده و تربیت خوب هم ناشی از مقررات و قوانین خوب میباشد.

L'éducation est l'art de manier et de façonner les esprits.

تربیت صنعت ساختن و پرداخت ارواح و افکار میباشد.

Aujourd'hui nous recevons trois éducations différentes ou contraires: celle de nos pères, celle de nos maîtres, celle du monde.

مامواجه باسه تربیت مختلف و متضادهستیم. تربیت پدر - تربیت اساتید و تربیت عالم و جهان .  
در هر حال کلیه استعدادهای نهفته را با تعلیم و تربیت باید پرداخت و تقویت نمود .

در هیچ محیطی مانند ایران آقدر افراد و اراضی با استعداد و ذخایر زیرزمینی وجود ندارد ولی افسوس از کلیه این ثروت و نیروها استفاده نمیشود. حکومت صحیح و دلسوز حکومتی است که در مقام تربیت افراد برآمده و از کلیه این ذخایر استفاده نماید .

با این همه استعداد و نیروها و ثروت گرسنه هستیم و گاه ۳۴ دانی در دست گرفته و از دیگران استمداد می طلبیم .  
ملتی که فرهنگ ندارد ملت نیست تا چه رسد بدولتی که تحت این عنوان در رأس آن قرار گرفته باشد .

حکومت برجهال و اموات چه لذت و خوشی خواهد داشت.  
تربیت مردم بستگی با تعدیل رفتار و حرکات هیئت حاکمه دارد. اغراض شخصی و فردی که ناشی از جاه طلبی و خود خواهی است باید کنار گذاشته شود .

به شخصیت و قوه قضاوت افراد بیافزائید و هر دولتی ضامن پرورش قوای روحی و اخلاقی مردم میباشد.

اگر شکنجه تأثیری در تربیت داشت خرها و الاغها باید اولین فیلسوف جهان گردند .

زور و شکنجه افرادی بار می آورد که فاقد قوه ادراک و تشخیص بوده و از خود عقیده و اراده ثابتی ندارند و کشور را بصورت جنگل و جایگاه حیوانات مبدل خواهد نمود .

آزادی عمل باید توأم با مراقبت و راهنمایی قوای ثلاثه که بمنزله مریان جامعه هستند بوده باشد تا عادت و ملکه مردم گردد .

افکار مردم را باید با نیروی فرهنگ آبیاری نمود و تربیت کرد و بعد از آنان تکلیف خواست .

لايكف الله نفسا لاوسعها

در نهاد افراد این کشور چه استعداد هائی نهفته است و در اثر آموزش و پرورش ممکن است در میان این جامعه نوابع و متفکرینی پیدا شوند که هم برای ما و هم برای دنیای کنونی مفید بوده باشند .  
از نظر فقد آموزش است که گردانندگان چرخهای اجتماع به چند نفر محدود و محصور گشته است .

هیچ يك از گریموورهای هولیود و هنرپیشه های ماهرو و شیه خوانها نمیتوانند مانند بازیگران ما خود را گریم نموده و در صحنه بازی بنام خدمت بکشور دل های مختلف و متضاد را بصورت موافق و مخالف ایفا نمایند . این مجعولات حیاتی که محیط ما را فرا گرفته نتیجه محصول فکری این افراد مجعول و بازیگران کنونی میباشد و بس .  
آئین دوست یابی را کنار بگذارید و در درجه اول با کشور خود دوست شوید .

افرادیکه ایام جمعه هانزد شما می آیند و زبان بتملق و مداهنه می گشایند و بازار شما را گرم میکنند از عناصری هستند که برای حفظ منافع شخصی و مسمور نمودن عملیات زشت خود و چپاول و غارت خزانه این کشور در همان روز به خانه بیست نفر دیگر که احتمالی برای قبضه کردن قدرت و زمامداری آنان هست رجوع نموده و آنانرا با همان الفاظ و روش اغفال و مسموم می نمایند تا در اثر نفوذ هر کدام از آنان که بر سر کار آمدند به مقاصد و منویات شوم و پلید خود نائل شوند .

هر عمل مفید و صحیحی که در کشور انجام دهید نتیجه اش عاید همه افراد کشور شده و کلیه آنانرا با خود دوست و علاقمند نموده اید .  
هفت خطی و رنگهای گوناگون را که لونهاسترا ناظرین است کنار بگذارید و با مصالح جامعه و محیط خود یک رنگ باشید تا به ثابتهای اخلاقی شما پی برده و در سایه اعتماد افراد بتوانید برنامه ایرا که مصلحت کشور است عملی سازید در غیر اینصورت آنطور قضاوت میکنند که با این رنگها می خواهید در مقام رنگ کردن دیگران بر آئید و به آمال و آرزوهای شخصی خود نائل شوید .

افراد فاسد و پست به مراتب بهتر از افراد ریاکار و خوب نما

و متظاهر میباشند زیرا رنگهای آنان ثابت و الوان دیگران متغیر و ناپایدار  
میباشد و این رباعی عمر خیمام کاملاً در آنان مصداق پیدا مینماید

شیخی به زن فاحشه گفتا مستی      هر روز بدام دیگری پابستی  
گفتا شیخا هر آنچه گونی هستم      اما تو چنانکه مینمائی هستی

اداره کردن هر ج و مرج و بی نظمی و بی ترتیبی و خارج از اصول  
در عرف ما وزارت و وکالت و مدیریت و ریاست نامیده میشود.

هر کس این سنت غلط را بهم زند و امور را روی محور اصول  
و قوانین موضوعه قرار دهد فوراً او را از جرگه خارج کرده و برای  
تمام عمر در انزوا و گوشه نشینی بسر خواهد برد.

گردش تمام چرخها محصول و نتیجه اش باید رفاه و آسایش  
عموم باشد.

تمام هستی و سرمایه این کشور در هر حکومتی صرف اباطیل  
و کارهای بیهوده شده و حکومت بعد آنرا برهم زده و به نوع  
دیگر در آورده که آنهم بیهوده و غیر مفید میباشد و همیشه این اصل ساری  
و جاری است بنحوی که سرمایه ها و ثروت عالم تکافوء این مخارج بی جهت  
و ولخرجیها را ننموده و از هر حیث و از هر جهت غیر قابل جبران خواهد بود.  
تا موقعی که اسیر و پای بند منافع شخصی هستید محال است بتوانید کوچکترین  
قدمی برای اصلاح و بهبود امور کشور بردارید اصلاح کشور ملازمه  
با از خود گذشتگی و ایثار جان و مال و فداکاری دارد.

تا گرفتار تقع خویش ننید      دم ز اصلاح مملکت مزیند  
آنکه در فکر جمع سیم و زراست      کی بشکر سعادت بشر است  
کهنه رندی که باد و صد زد و بند      پولها کرده هر دقیقه بلند  
یا ز آشوب مملکت همه سال      چیش آکنده بوده از زرو مال  
جهش اینست کآب گل باشد      آتش فتنه مشتعل باشد  
زهد ملک و ملت از تب و تاب      تا تواند در آن محیط خراب  
پنجه بر مال خلق بند کند      زان میان مبلغی بلند کند  
و آنکه با خرج صد هزار تومن      میشود بر زبیده تو و من  
یا ز راه تقاب و تزویر      شده در مملکت وکیل و وزیر  
چه نکو بنگری ز روز نخست      غرضش لخت کردن من و تست  
ورنه در راه مملکت یک غاز      ندهد کس به سالیان دراز

برای اصلاح هر کشوری ضرورت دارد که نسبت به گردانندگان قوای ثلاثه آن تجدید نظر شده و افراد ناباب طرد گردد تا در سایه این نیروها که بمنزله دستگاه تربیتی کشور است مردم هدایت و تربیت شوند و غیر از این راه و چاره‌ای نخواهد داشت زیرا:

ذات نایافته از هستی بخش  
کی تواند که شود هستی بخش  
در هر حال از خود شکایت کنید نه از دیگران و این شعر صائب تبریزی در شما کاملاً مصداق پیدا میکند.

چرا ز غیر شکایت کنم که هم‌چو حباب همیشه خانه خراب هوای خویشتنم  
نیچه فیلسوف آلمانی به اشخاص مجعول و عاری از حقیقت که رنگ ثابتی نداشته و بوقلمون و حر با صفت بوده و بر رنگهای گوناگون درمی آیند و مانند باد نما بهر طرف که باد میوزد روگردانیده و به همان جهت متوجه میشوند تا منافع و اغراض شخصی خود را تأمین نمایند چنین میگوید که این عبارات او را که به چندین زبان ترجمه شده است ذیلاً نقل میکنیم

#### فارسی

آیا این جا سرزمین خمهای رنگرزان است؟

ای ابناء روزگار... حیرت من از این است که شما را می بینم  
با پنجاه رنگ که در صورت و اعضاء خود دارید بر سر جای خود نشسته‌اید  
پنجاه آئینه با خود دارید تا بشما تملق گفته و رنگهای گوناگون را  
بشما پس دهند.

براستی که چهره‌های واقعی شما بهترین ماسکی است که میتوانید  
بصورت بزنید. کیست که شما را بشناسد؟

چهره شما علائم و آثار گذشته و حال هر دو را دربر دارد. و این  
علائم حتی از نظر تمام غیبگویان و معبرین و کاشفین رموز و اسرار هم  
مخفی و مستور است.

تمام ادوار و تمام اقوام از ورای حجاب و نقاب شما دزدیده  
می نگرند. تمام عادات و عقاید گوناگون در رفتار و سکنات شما بصورت  
رنگارنگی سخن میگویند.

اگر از شما حجابها، روپوشها، رنگهای گوناگون، اطوار  
و حرکات را بگیرند چیزی باقی نمیماند مگر مترسکی که موجب ترس پرندگان  
خواهد بود.

در حقیقت من یکی از آن پرندگان رمیده‌ای هستم که روزی شمارا  
عریان و برهنه و بی رنگ دیدم و موقعی که این مترسک خواست بمن عشقی  
برساند بالاشوده و رفتم .

شما ای مردم که مجموعه و ترکیبی از انواع معتقدات هستید چگونه  
ممکن است بچیزی اعتقاد داشته باشید .

### آلمانی

Hier ist ja die Heimat aller Farbentöpfe! - sagte ich.

Mit fünfzig Klecksen bemalt an Gesicht und Gliedern:  
so sasetz ihr da zu meinem Staunen, ihr Gegenwärtigen!

Und mit fünfzig Spiegeln um euch, die eurem Farben-  
spiele schmeichelten und nachredeten!

Wahrlich, ihr könntet gar keine bessere Maske tragen,  
ihr Gegenwärtigen, als euer eignes Gesicht ist! Wer könnte  
euch-erkennen!

Vollgeschrieben mit den Zeichen der Vergangenheit, und  
auch diese Zeichen überpinselt mit neuen Zeichen: also habt  
ihr euch gut versteckt vor allen Zeichendeutern!

Alle Zeiten und Völker blicken bunt aus euren Schlei-  
ern: alle Sitten und Glauben reden bunt aus euren Gebärden.

Wer von euch Schleier und Überwürfe und Farben und  
Gebärden abzöge: gerade genug würde er übrigbehalten, um  
die Vögel damit zu erschrecken.

Wahrlich, ich selber bin der erschreckte Vogel, der  
euch einmal nackt sah und ohne Farbe; und ich flog davon,  
als das Gerippe mir Liebe zuwinkte.

Ja, wie solltet ihr glauben können, ihr buntgesprenkel-  
ten!-die ihr Gemälde seid von allem, was je gelaubt wurde!

### انگلیسی

Here, indeed, is the home of all paint-pots! said I.

With fifty daubs of paint on face and limbs, sate ye  
there and amazed me, ye men of the present!

And with fifty mirrors about you, to flatter and give  
back your medley of colours!

Verily, ye could wear no better masks, ye men of the  
present, than your own faces! who could know you?-

Covered in the writings and signs of the past, and with these signs over-painted with new signs-thus have ye well concealed yourselves from all interpreters of signs!

All eras, all peoples, peer multi-coloured through your veils; all customs and beliefs speak multi-coloured in your gestures.

If one stripped from you veils and garments and colours and gestures, he would leave just enough to scare the birds.

Verily, myself am a scared bird that for a moment saw you naked and colourless; and I flew away when the skeleton ogled me.

Nay, but how could ye believe, ye motley ones-ye that are compound pictures of all that hath ever been believed!

### قرآنہ

Est-ce donc ici le pays de tous les pots de couleurs? ))  
dis - je.

Le visage et les membres enlumines de cinquante taches: c'est ainsi qu'à ma stupeur je vous ai vus assis, vous, les hommes de ce temps.

Et, autour de vous, cinquante miroirs flattaient et imitaient votre jeu de couleurs!

En vérité, vous ne pouviez porter de meilleur masque que votre propre visage, hommes de ce temps. Qui donc pourrait vous reconnaître?

Couverts des signes du passé et barbouillés de nouveaux signes: ainsi vous êtes-vous bien cachés de tous les augures!

Tous les temps et tous les peuples jettent pêle-mêle un regard à travers vos voiles; toutes les coutumes et toutes les croyances parlent pêle-mêle à travers vos gestes.

Celui qui vous ôterait vos voiles, vos surcharges, vos couleurs et vos attitudes, il ne lui resterait que de quoi effrayer les oiseaux.

En vérité, je suis moi-même un oiseau effrayé qui, un jour vous a vus nus et sans couleurs; et je me suis enfui lorsque ce squelette m'a fait des signes d'amour.

Oui, comment pourriez-vous croire, bariolés comme vous l'êtes!-vous qui êtes des peintures de tout ce qui a jamais été cru.

## ایتالیائی

« Ma questa è la patria di tutti i vasi di colore »-dissi a me stesso.

Chiazziati in volto e nel corpo di cinquanta colori, tali appariste alla mia meraviglia, o uomini del presente!

E con cinquanta specchi intorno a voi che adulavano e secondavano il vostro gioco di colori!

In verità, non potreste immaginare, o presenti, una miglior maschera del vostro proprio volto! Chi potrebbe ravvisarvi?

Tutti impiastricciati coi segni del passato, su cui nuovi segni impresse il pennello: in verità, voi siete egregiamente difesi contro gl'interpretatori di geroglifici!

Tutti i tempi e tutti i popoli si rispecchiano nei vostri veli: tutti i costumi e tutte le credenze nei vostri gesti.

Chi strappasse dai vostri volti i veli e i mantelli e i colori e i gesti non si troverebbe tra le mani altro che uno spauracchio d'uccelli.

In verità, io stesso sono l'uccello impaurito, che vi scorse una volta nudi e senza colori; e io volai lontano, quando la vostra carcassa mi fe' cenni d'amore.

Oh, come mai potreste credere, o multicolori, d'essere una imagine dipinta di tutto ciò che fu creduto?

Ve, bütün boya çanaklarının diyari burası diyordum.

En hazır olanları, yüzünüzü ve uzuvlarınızı elli boya lekeleriyle boyanmış gördüm de şastım.

Etrafında elli tane de ayna vardı ki renk oyununuza dalkavukluk ediyorlardı.

Gerçekten, ey zaman insanları, kendi suratınızdan daha uygun bir maske tasiyamazdınız, sizi bu halinizle kim tanıyabilirdi.

Mazinin işaretleriyle dopdolu ve bu işaretler üzerine yeni işaretler boyanmış haldesiniz: Böylece kendinizi bütün tâbir-cilerden güzel gizlemişsiniz!

Peçelerinizden bütün zamanlar ve milletler renk renk bakıyorlar.

Ve jestlerinizden renk renk bütün âdetler ve inançlar konuşuyor.

Sizden peçenizi, örtüntüzü, boyanizi, jestlerinizi, alsalar da yine kuslari ürkütecek kadar bir seyiniz kalir.

Geçekten, bizzat ben sizi bir zamanlar çıplak ve boyasız görerek ürkümüş bir kuşum. Ve o iskelet, bana bir de ask isareti yapınca kaçtım.

Evet ey alaca bulacalar, siz nasıl inanabilirdiniz? Siz ki bütün inanılmış seylerden meydana gelmiş bir tablosunuz.

### عربی

قلت في نفسي « لعل هذه مصانع الآلية الملونة » .

لقد برزتم امامي يا رجال اليوم ، و على وجوهكم و اعضاءكم من الالوان خمسين الانواع ، و حولكم خمسين المرايا تعكس تموجات الوانكم ، و الحق انكم لاتستطيعون ان تجدوا ما تتشعرون به اشد غرابة من وجوهكم نفسها ، فمن له ان يعرف من انتم ؟

لقد حفر الماضي في وجوهكم آثاره فألقيتم فوقها آثاراً جديدة ، لذلك خفيت حقيقةكم عن كل معبر و أعجزت كل بيان .

وهذه جميع الازمنة و جميع الشعوب تتزاحم مرسله نظراتها من وراء قناعكم كما تفصح جميع حركاتكم عن تراكم كل العادات و المعتقدات فيكم . فاذا ما نزعت اقنعتكم و القيت احمالكم و مسحت الوانكم و وقتت حركاتكم فلا يبقى منكم الاشح ينصب مفرعة للطيور .

و الحق ، ماانا الاطائر مروء ، لانني رأيتكم يومأعراة لاتستركم الوانكم فاستولى الذعرعلى اذ انتصبتم امامي هياكل عظام تومى الى باشارات العاشقين .

وهل من عقيدة لكم و انتم المبرقشون بجميع ما عرف الزمان من الوان حتى اليوم ؟

ملای رومی هم در مثنوی در باره این بازیگران و ریاکاران که بصور کوناگون جلوه گر میشوند چنین میگوید :



### دعوی طاوسی کردن آن شغال که درخم صباغ افتاد

آن شغال رنگ رنگ اندر نهفت  
بنگر آخر در من و در رنگ من  
چون گلستان گشته ام صدرنگ و خوش  
کروفر و آب و تاب و رنگ بین  
مظهر لطف خدائی گشته ام  
ای شغالان هین مخوانیدم شغال  
آن شغالان آمدند آنجا بجمع  
پس چه خوانیمت بگوای جوهری  
پس بگفتندش که طاوسان جان  
تو چنان جلوه کنی گفتا که نی  
بانک طاوسان کنی گفتا که لا  
خلعت طاوس آید ز آسمان  
حال ای فرعون ناموسی مکن  
سوی طاوسان اگر پیدا شوی  
زشتیت پیدا شد و رسوائیت  
چون محک دیدی سیه گشتی چه قلب  
ای سنگ گرگین زشت از حرص و جوش  
غره شیرت بخواهد امتحان  
در زبان ایتالیائی مثلی است معروف که میگویند:

مار تغییر پوست میدهد ولی تغییر عیب نخواهد داد

*Il serpente cambia la pelle ma non il Vizio.*

در انجیل متی باب هفتم آیه ۳ الی ۵ و ۱۰ الی ۲۰ چنین میگوید.

وَلَمَّا ذَا تَنْظَرَ الْقَذَى الَّذِي فِي عَيْنِ أَخِيكَ وَ أَمَّا الْخَشَبَةُ الَّتِي فِي عَيْنِكَ  
فَلَا تَقْطُنْ لَهَا . اَمْ كَيْفَ تَقُولُ لِأَخِيكَ دَعْنِي أُخْرِجِ الْقَذَى مِنْ عَيْنِكَ وَ هَا الْخَشَبَةُ  
فِي عَيْنِكَ . يَا مَرَاتِي أَخْرِجِي أَوَّلَا الْخَشَبَةَ مِنْ عَيْنِكَ وَ حِينَئِذٍ تَبْصُرُ جِيداً أَنْ تَخْرُجَ  
الْقَذَى مِنْ عَيْنِ أَخِيكَ .

احقرزوا من الناس الكذبة الذين ياتونكم بشباب الحملاين ولكمهم  
 من داخل ذئاب خاطئة. من ثمارهم تعرفونهم. هل يجنون من الشوك عنباً  
 أو من الحسك تيناً. هكذا كل شجرة جيدة تصنع ثماراً جيدة. واما الشجرة  
 الرديئة فتصنع ثماراً رديئة. لا تقدر شجرة جيدة ان تصنع ثماراً رديئة ولا شجرة  
 رديئة ان تصنع ثماراً جيدة. ككل شجرة لاتصنع ثماراً جيداً تقطع وتلقى  
 في النار. فاذا من ثمارهم تعرفونهم

چونست که خسرا در چشم برادر خود می بینی و چوبی که در چشم خودداری  
 نمیایی یا چگونه برادر خود میگوئی اجازت ده تا خسرا از چشمت بیرون کنم و اینتک  
 چوب در چشم تو است. ای ریاکار اول چوبرا از چشم خود بیرون کن آنگاه نیک خواهی  
 دید تا خسرا از چشم برادرت بیرون کنی.  
 از مردمان دروغگو احتراز کنی که بلباس میشها نزد شما میآیند ولی درباطن  
 گرگان درنله میباشند.

از میوه هاشان آنانرا خواهید شناخت. آیا انگور را از خار و انجیر را از خس  
 میچینند؟ همچنین هر درخت نیکو میوه نیکو میآورد و درخت بد میوه بد میآورد. نمیتواند  
 درخت خوب میوه بد آورد و نه درخت بد میوه نیکو آورد هر درختی که میوه نیکو  
 نیآورد بریده و در آتش افکنده شود. لذا از میوه های ایشان ایشانرا خواهید شناخت  
 در قرآن مجید از آیه ۱۰ الی ۱۴ سوره بقره چنین میفرماید.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ. إِلَّا  
 أَنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ  
 إِلَّا أَنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ.

وَإِذَا قِيلَ لِلَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شِيَاطِينِهِمْ قَالُوا  
 إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَؤُونَ.

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

اللّٰهُ يَسْتَهْزِي بِهٖم وَيَمْدَهُم فِي طَغْيَانِهِم بِعَمَهِونَ .

که معنی این آیات شریفه این است :

اگر بآنها بگویند دست از فساد بردارید میگویند که ما نظر اصلاحی داریم شکمی نیست که مفسدند و احساس نمیکنند و اگر بآنها گفته شود براه بیائید همانطور که سایرین ایمان آورده اند گویند ما عمل سفها را پیش گیریم در صورتیکه خودشان سفیه و دیوانه هستند و نمیفهمند.

اگر با مردمان با ایمان برخورد نمایند خود را مؤمن معرفی کنند و اگر با شیاطین و شریران خلوت کنند خود را از آنان دانسته و میگویند ما دیگرانرا مسخره میکنیم ولی خدا آنها را استهزا نموده و همیشه در حال گمراهی بسر میبرند.

در هر حال اعمال ایندسته از مردم دیر یا زود آشکار شده و پرده از روی آن برداشته میشود دستگاه طبیعت همیشه باستساخ اعمال هر یک از افراد اشتغال دارد و اسرار و اعمال زشت هر کس در روز قیامی السرائر آشکار میگردد و حساب و نظمی در ریزه ترین حوادث دنیا در کار است و فیلم اعمال آنها همیشه باقی بوده و نسل آینده و عوالم دیگر

بتماشای آن سینما خواهند پرداخت. چنانچه در سوره یس آیه ۶۵ میفرماید **اليوم**

**نَحْنُمُ عَلٰى اَفْوَاهِهِمْ وَ تَلٰكُمَا اَيْدِيهِمْ وَ تَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ -**

یعنی امروز بر دهان آنان مهر خاموشی میزنیم و دستهای آنها باما صحبت خواهند کرد و پاها هم بر آنچه کسب کرده اند گواهی میدهند

و باز هم در همان سوره آیه ۱۱ میفرماید

**اِنَّا نَحْنُ نَحْيِ الْمَوْتٰى وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوْا وَ اَثَارَهُمْ وَ كُلَّ شَيْءٍ اَحْصَيْنَا**

**فِيْ اِمَامٍ مَّبِيْنٍ -**

ما مرده را زنده میکنیم و در ضمن زندگی دنیا آنچه را که افراد پیش میفرستند و آثاریکه باقی میگذارند بنویسیم و هر چیزی در صفحه روشنی بانمره و شماره ثبت میشود و در آیه ۲۸ از سوره چائیه میفرماید.

**هٰذَا كِتٰبُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ اِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ -**

این دفاتر ثبت ما است که مندرجات آن بحق و درستی بر علیه شما سخن میگوید و کلیه اعمال و کردار شما در آن مندرج است.

در هر حال دنیای کنونی از محصول و ثمرات زحمات و نتایج افکار پیشینیان زیست مینماید و شب و روز در کار است که بنوبه خود برای نسل

آینده توشه و ذخایری تهیه نماید ولی ما همیشه ریزه خوار خوان کرم دیگران بوده و در حال رکود و وقفه بسر میبریم این چند روز حیات ارزش ارتکاب این همه جنایات و تقلبات و نیرنگها را ندارد و این عملیات دور از مقام و شأن انسانیت میباشد و شایسته نیست که مقام انسانی باین کتافات و پلیدیها آلوده گردد و از سیر تکاملی خود باز ماند باید راهی را پیمود که رهبران پیموده‌اند و آثاری از خود باقی گذاشت تا نام نیک ما در تاریخ ثبت و جاودان باشد لذا برماست که در هر مقام و مرتبه هستیم بدلول اشعار حضرت رضاع و غزل خواجه حافظ را که ذیلاً مینگاریم از نظر خدمت بخلق و بالابدن مقام انسانیت شعار حیاتی خود قرار دهیم :

حضرت علی ابن موسی الرضا میفرماید

واعجبا للمرء فی ذاته یجر ذیل التیه فی خطرته  
یزجره الوعظ فلا ینتهی کانه الیمت فی سکرته

من غرس الحنظل لایرآجی ان یجتفی السکر من غرسته  
من جعل الحق له ناصرا ایده الله علی نصرته

عجب دارم از مردمانی که در تمام دوره زندگانی در گمراهی و غرور و نخوت بسر میبرند .

از بند و اندرز منجزر و از پیروی آن سرپیچی کرده و مانند مرده ای هستند که در حال نزع و جان کندن باشد .

هر که حنظل کشت کند امیدوار نباشد که محصول آن شکر بوده باشد .

کسی که حق و راستی را یار و یاور خود قرار دهد خداوند به ظفر و کامیابی او کمک مینماید .

### اشعار خواجه حافظ

بیا که قصر امل سخت مست بنیاد است  
غلام همت آنم که زیر چرخ کبود  
که ای بلند نظر شاهباز سدره نشین  
تورا ز کنگره عرش میزنند صغیر  
نصیحتی کنست یاد گیر و در عمل آر  
غم جهان مخور و پند من سیر از یاد  
نشان و عهد و وفا نیست در تبسم گل  
مجو درستی عهد از جهان سست نهاد

بیار باده که بنیاد عمر بر باد است  
زهر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است  
نشیمن تو نه این کنج محنت آباد است  
ندانمت که در ایندامگه چه افتاد است  
که این حدیث ز پیر طریقتم یاد است  
که این لطیفه عشقم ز رهروی یاد است  
بنال بلبل بیدل که جای فریاد است  
که این عجوزه عروس هزار داماد است

طریقه کشف جبل در عصر حاضر

در هر صورت برای نجات یافتن از این نکتت و بذلت و عقب ماندگی فرمایشات حضرت سید سجاد علیه السلام را در تمام ادوار حیاتی خود سرمشق قرار داده و از خداوند توفیق باین موهبت را خواستار شویم.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ هَمَمَاتِ قُلُوبِنَا وَ حَرَكَاتِ أَعْضَانِنَا وَ لَمَحَاتِ أَعْيُنِنَا

فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ حَتَّى لَا تَفُوتَنَا حَسَنَةٌ نَسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَكَ وَ لَا تَبْقَى لَنَا سَيِّئَةٌ نَسْتَوْجِبُ بِهَا عِقَابَكَ .

پروردگارا ضربان قلب. حرکات اعضاء و بهم زدن چشمهای ما را موجبات پاداش خودت قرارده به نحوی که هیچ نیکوئیرا که در خور احسان تو باشد از دست نداده و بدیهائی هم که مستلزم کیفر تو باشد در ما وجود نداشته باشد. از بسط مقال و تصدیقی که بخوانندگان محترم داده معذرت خواسته و اگر عمری باقی و مقتضی موجود و موانع مفقود و توفیقی حاصل شود بشرح بقیه مباحث جبل در شماره های بعد خواهیم پرداخت و توفیق همه را از خداوند قادر متعال خواهانم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی